



محمدجواد مرادی

رهبر دوران‌دیش و جامع‌نگر

رهبر شهید عبدالعلی مزاری، دارای ویژگی‌ها و خصایصی بود که در کم‌تر فردی با هم جمع می‌شود. صداقت، ساده‌زیستی، ایثار و گذشت، عزت نفس و عبور از منافع شخصی به منظور تأمین منافع جمعی از ویژگی‌های بارز او بود که در کم‌تر رهبر سیاسی در افغانستان مشاهده می‌کنیم؛ اما نقطه برجسته دیگر، دوران‌دیشی و جامع‌نگری وی بود. او در عین مشغولیت در عرصه مدیریت سیاسی و گرفتاری در جبهات نظامی، از کار فرهنگی و تلاش برای رشد علمی و فکری نسل آینده غافل نبود. به همین منظور، علاوه بر ایجاد کتابخانه و مراکز فرهنگی در دوران جهاد و پیش از پیروزی مجاهدین، به اعزام جوانان برای تحصیل به دانشگاه‌های خارج از کشور اهتمام ورزید. علاوه بر تأسیس مراکز علمی و فرهنگی در داخل کشور به‌ویژه در شهر مزار شریف و تشویق مردم و جوانان به کتابخوانی و مطالعه حتی در برابر حق‌الزحمه، مجتمع علمی شهید بلخی را در میان مهاجرین تأسیس کرد و جوانان



”

وسعت نظر ایشان در امر مشارکت در قدرت، شایان توجه است. طرح اصلی و اساسی رهبر شهید، تأمین حقوق سیاسی، مشارکت عناصر متعهد در ساختار قدرت و تصمیم‌گیری‌های کلان ملی بود و در این عرصه تأکید داشت که باید افراد کاردان، صادق و دارای دانش و تجربه به کار گماشته شوند.

“

مهاجر را نیز تشویق به آموختن علوم و فنون جدید و مورد نیاز جامعه کرد. او با ژرف‌نگری و دوران‌دیشی خاصی، افق‌های بسیار دوردست را می‌دید و دغدغه‌هایش تنها به نیازمندی‌های نظامی جبهه یا عرصه سیاست روز محدود نمی‌شد. او اهمیت کدرسازی و تجهیز جوانان را به‌عنوان یک امر برای اداره جامعه و مشارکت در حکومت در آینده نیاز است، به خوبی درک کرده بود و در این مسیر، از هر اقدامی که در شرایط آن زمان برای او مقدور بود، دریغ نکرد.

وسعت نظر ایشان در امر مشارکت در قدرت، شایان توجه است. طرح اصلی و اساسی رهبر شهید، تأمین حقوق سیاسی، مشارکت عناصر متعهد در ساختار قدرت و تصمیم‌گیری‌های کلان ملی بود و در این عرصه تأکید داشت که باید افراد کاردان، صادق و دارای دانش و تجربه به کار گماشته شوند. به همین جهت، اگر کسی در گذشته در ادارات دولتی تجربه کاری داشته و از پختگی لازم برخوردار بود، به بهانه این که در دولت کمونیستی حضور داشته است یا در

حزب تحت رهبری وی نبوده است، محروم نمی‌شود. ممکن است بسیاری از کسانی که با وی روابط نزدیک داشته‌اند، به خاطر فقدان تجربه کار اداری، در هیچ سمت دولتی معرفی نشده‌اند؛ اما بسیار بوده‌اند افرادی که تجربه کاری داشته‌اند؛ اما عضو حزب وحدت نبوده‌اند و در عین حال، از سوی ایشان مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

البته رهبر شهید قبل از واگذاری مسئولیت به یک فرد، اهمیت و جایگاه آن مسئولیت را به او تفهیم می‌کرد و هشدار می‌داد که آن فرد به نمایندگی از یک جمع بزرگ در این موقف و مسئولیت قرار می‌گیرد. بنابراین، این مسئولیت، بزرگ و خطیر است و باید با عزت نفس در مقابل بی‌عدالتی‌ها مبارزه کند و بدون تعصب و تبعیض، خواهان مشارکت فعال و سازنده در بازسازی و نوسازی کشور باشد. او همواره به کسانی که برای تصدی پست‌های دولتی معرفی می‌شدند، سفارش می‌کرد که روحیه وطن‌دوستی و عدالت‌خواهی را در انکشاف متوازن در سراسر افغانستان در نظر داشته باشند و در مقابل فساد، مبارزه کرده و با بی‌عدالتی برخورد جدی کنند. او با سر دادن شعارهای عوام‌فریبانه و نقش سمبولیک در قدرت مخالف بود. درد او محرومیت مردم بود و به همین جهت، بین خود و مردم هیچ فاصله‌ای قرار نداده بود؛ چون او با اغوا، عوام‌فریبی و نیرنگ میانه‌ای نداشت؛ ارتباطش با مردم بیش از آن که یک رابطه سیاسی باشد، به یک رابطه عاطفی تبدیل شده بود. او با دوستان و مخالفان خود با صداقت و صراحت لهجه سخن می‌گفت و از حقوق مردم با صراحت لهجه و بدون

تعصب و تبعیض یا توهین و تحقیر گروه‌های اجتماعی دیگر دفاع می‌کرد. در بسی شرایط دشوار و ناامیدی‌ها، او به مردم امید می‌داد و با یک سخنرانی صادقانه و دلسوزانه او، در همگان روح تازه دمیده می‌شد و انگیزه و امیدواری‌های تازه در جان مردم جوانه می‌زد.

از هر زاویه که به شهید مزاری می‌نگریستیم، خصایص تازه‌ای را در وجود او کشف می‌کردیم و به قول معروف «هرچه خوبان همه دارند.» او تنها داشت. در عین ساده‌زیستی، تواضع در برابر مردم، ایثار و خودگذری، از عزت نفس و قاطعیت ویژه‌ای نیز برخوردار بود. قاطعیت منحصر به فرد او و انعکاس خواست مردم محروم بدون ملاحظات سیاسی، سبب شد که جبهه عدالت‌خواهی در جامعه ریشه دواند و این میراث را با بذل جان شیرینش در این مسیر، به نسل‌های آینده منتقل نمود. به همین جهت، می‌توان گفت که به گفته رئیس جمهور غنی «شهید مزاری از جمله سیاستمداران وطن‌ما است که جهت حرکت تاریخ را تغییر داد.»؛ تغییر مسیر تاریخ از انحصار و تبعیض به سوی عدالت در تمامی ابعاد آن و تأمین حقوق برابر تمام اقوام با هم برادر افغانستان، هر چند تا تحقق آرمان‌های والای شهید وحدت ملی هنوز فاصله زیادی داریم؛ اما بذل عدالت‌خواهی و مبارزه با تبعیض و انحصارطلبی را که او کاشته است، امروز به نهال نورسی تبدیل شده است و نسل امروز و آینده، آن را به درخت تنومندی تبدیل خواهد کرد.

”

درد او محرومیت مردم بود و به همین جهت، بین خود و مردم هیچ فاصله‌ای قرار نداده بود؛ چون او با اغوا، عوام‌فریبی و نیرنگ میانه‌ای نداشت؛ ارتباطش با مردم بیش از آن که یک رابطه سیاسی باشد، به یک رابطه عاطفی تبدیل شده بود.

“